

امیرحسین ترابی، کارگردان سریال «برتا» مهمان فریمولوژی بود

معمایی – پلیسی؛ ژانری برای همیشه



مریم فضائلی
خبرنگار گروه فرهنگ

در چهارمین قسمت از برنامه «فریمولوژی»، امیرحسین ترابی، کارگردانی که این روزها با سریال «برتا» در شبکه نمایش خانگی حضور دارد، مهمان این برنامه شد. در این گفت‌وگو، ترابی از علاقه‌اش به ژانر پلیسی، نسبت سینمای جنایی با واقعیت‌های اجتماعی، موانع و نظارت در مسیر سریال‌سازی، جایگاه تماشاگر و وضعیت امروز سینمای ایران سخن می‌گوید.
مشروح این گفت‌وگو در پویتوب «مجله تصویری فرهیختگان» به‌بینید.

«برتا» وریشه کودکی

امیرحسین ترابی، کارگردان سریال «برتا»، در ابتدای این گفت‌وگو درباره انتخاب نام این مجموعه گفت: «این انتخاب ریشه در خاطرات نوجوانی‌اش دارد و به علاقه قدیمی او به آثار پلیسی و جاسوسی بازمی‌گردد. زمانی که «شون کازری» مجموعه «جیمز باند» را

بازی می‌کرد، در یکی از قسمت‌ها خانمی که جزء جاسوس‌ها بود و یک اسلحه برتا همیشه همراهش بود. از همان دوران اسم برتا برای من خیلی جذاب بود و همیشه یک وزنی برای من داشت. سال‌ها گذشت و زمانی که فیلمنامه برتا را شروع کردم به نگارش، از آنجایی که مسیر قصه به این سمت رفت که داستان یک اسلحه را روایت کنیم، به این نتیجه رسیدم که چه اسمی قشنگ‌تر و بهتر از برتا.»

ترابی با اشاره به علاقه دیرینه‌اش به ژانر پلیسی، این گرایش را حاصل تجربه‌های مطالعاتی و زیسته خود در سال‌های نوجوانی دانست و گفت: «واقعاً این موضوع به دوران نوجوانی ما برمی‌گردد؛ از همان موقع پاورقی‌های کیهان را که درباره قتل‌های سریالی مطالب می‌نوشتند مطالعه می‌کردم. کتاب‌ها و پرونده‌هایی که آن قدیم‌ها بازپرس احمد محقی و بازپرس پالوری درباره پرونده‌های قتل یادداشت می‌نوشتند را همیشه دوست داشتم و در مجلات و روزنامه‌ها می‌خواندم و دنبال می‌کردم. این تعلق خاطر و این حس از همان موقع ما بود و وقتی وارد مسیر فیلمسازی شدم، این ژانر همیشه ژانر محبوب من بود؛ به چند دلیل، یکی اینکه ژانری است که در ایران کمتر به آن توجه شده و واقعاً آن‌طور که بایدو شاید، نمونه‌های جدی‌اش را نداریم.»

ژانرپلیسی درایران

این کارگردان در ادامه، در باره کم‌کردن بودن فیلم‌های پلیسی برای نسل جوان و دلایل ناتوانی سینما و نمایش خانگی در تولید آثار جذاب در این حوزه، تأکید کرد مشکل اصلی به عدم تعریف درست ژانر بازمی‌گردد، وی گفت: «من معتقد پخش عمده‌ای از فیلم‌های پلیسی که در نمایش خانگی یا سینما ساخته می‌شود، در قالب ژانر نیستند. زیرا به‌های پلیسی دارند، اما قصه‌های دراماتیکی و اجتماعی هستند که حالا یک زیرویه پلیسی به آن اضافه شده است. فکر می‌کنم هم «خونسرد» که سریال قبلی من بود و هم «برتا» جزء معدود سریال‌هایی هستند که واقعاً در ژانر حرکت می‌کنند و به اعتقاد خود نتونواز به معنای واقعی هستند و زیرویه ژانر دیگری ندارند.»

او در پاسخ به این پرسش که آیا به‌طورکلی به روایت داستان‌های پلیسی با محوریت قتل‌های زنجیره‌ای علاقه دارد، گفت: «قاتل‌های سریالی اصولاً کاراکترهای جذابی هستند؛ چراکه معمولاً یک گراند‌های عجیب‌وغریبی دارند؛ ترومایی در دوران کودکی‌شان که در آینده آن‌ها را به این نقطه رسانده است. این ویژگی‌ها در کاراکترسازی و شخصیت‌پردازی آن‌قدر جذاب است که قصه‌های بسیار بیشتری می‌تواند در یک سریال به وجود بیاورد.»
امیرحسین ترابی، درباره میزان تحقیق و تماشای آثار پلیسی پیش از ساخت این اثر توضیح داد که علاقه‌اش به این ژانر محدود به یک پروژه خاص نیست و سال‌هاست به‌طورجدی آن را دنبال می‌کند. وی تأکید کرد: «به فقط برای برتا؛ کلاً علاقه شخصی من به این ژانر است و در این سال‌ها سریال‌ها و فیلم‌های زیادی دیده‌ام. مقاله‌های بسیار زیادی را مطالعه کرده‌ام و پرونده‌های بسیار متعددی را بررسی کرده‌ام که پیرامون قاتلان سریالی بوده است.»

همکاری پلیس درسریال سازی پلیسی

ترابی در ادامه، در باره امکان دسترسی به پرونده‌های واقعی و میزان همکاری نهادهای مرتبط برای پژوهش‌هایش توضیح داد که پس از ساخت سریال «خونسرد»، ارتباط‌های مؤثری در این مسیر برایش شکل گرفته است. وی گفت: «بعد از سریال «خونسرد» ما دوستانی آشنا شدم که هم نسبت به علاقه من به این ژانر آگاه بودند و هم فضای پلیسی-جنایی «خونسرد» را دوست داشتند. همین موضوع باعث شد یک رفاقتی به وجود بیاید که کمک‌های بسیار شایانی در این مسیر کردند؛ دوستانی مثل پلیس‌های آگاهی و کارآگاهانی که بازنشسته شده بودند و پرونده‌های زیادی را به تمر رسانده بودند. جلسات متعددی می‌گذاشتیم و از خاطراتشان برای من تعریف می‌کردند.»

او با اشاره به جایگاه پلیس آگاهی ایران در حوزه کشف جرایم جنایی افزود: «تا جایی که

من اطلاع دارم، پلیس آگاهی ایران در بخش جنایی جزء رتبه‌های برتر جهانی است و تقریباً بالغ بر ۸۰ درصد پرونده‌های قتل که در ایران اتفاق می‌افتد توسط پلیس آگاهی کشف می‌شود. حتی اطلاع دارم کشورهای همسایه اگر در پرونده قتل کارآگاه‌های خودشان نتوانند آن را به سرانجام برسانند، از کارآگاهان ایران دعوت می‌کنند تا برای پیداکردن قاتل کمکشان کنند.»

ایسن کارگردان در ادامه، درباره تفاوت نگاه رسانه‌ای و انتظامی به بازنمایی جابایت‌های اجتماعی گفت که حتی در پوشش خبری پررنگی پرونده‌ها نیز ملاحظات جدی وجود دارد و گفت: «همین الان اگر یک قاتل سراسری را در حال فعالیت باشد و حتی بیش از ده نفر را به قتل رسانده باشد، گاهی اجازه رسانه‌ای کردن آن داده نمی‌شود. چون این احتمال وجود دارد که تشویش افذان عمومی ایجاد شود و مردم نگران شوند. پلیس تا جایی که بتواند تلاش می‌کند بدون رسانه‌ای شدن خبر و بدون ایجاد ترس در جامعه، پرونده را به نتیجه برساند؛ مگر اینکه به نقطه‌ای برسد که همراهی و همکاری مردم بتواند کمک‌کننده باشد.»

ترابی درباره میزان همراهی نیروهای انتظامی و نهادهای مرتبط برای ورود به حوزه‌های پلیسی و جنایی توضیح داد که این همراهی معمولاً به شکل سریع و مستقیم اتفاق نمی‌افتد و بیان کرد: «بدون شک این اجازه آن قدر صریح نیست، اما فکر می‌کنم در طول مسیر، وقتی خودشان پلیس برتا و خونسرد را با پلیس‌هایی که در فیلم‌ها و سریال‌های دیگر به تصویر کشیده شده‌اند مقایسه می‌کنند، به این نتیجه می‌رسند که هرچقدر برای من فیلم‌ساز مهیاتر باشد که پلیس و کاراکترش را به مردم نزدیک‌تر کنم، حال من نسبت به پلیس هم حال بهتری خواهد بود.»

این کارگردان با اشاره به شیوه شخصیت‌پردازی پلیس در آثار جنایی گفت: «اصلاً ماهیت ژانر جنایی و پلیسی این است که پلیس باید پلیس آسیب‌دیده باشد. پلیسی که در درونش یک هیولا وجود دارد و باید بین شکست هیولای درون و هیولای بیرون بجنگد کشف پرونده‌اش مبارزه کند. وگرنه اگر پلیسی باشد که همه چیزش خوب است، همه چیز به راه است، خوب می‌رود و خوب می‌آید، دیگر دغدغه‌ای ندارد که بخوای شخصیت‌پردازی‌اش کنی.» او افزود: «هرچقدر پلیس در درون خودش چالش‌های بیشتری داشته باشد و در زندگی شخصی‌اش با بحران‌های عمیق‌تری مواجه باشد، شخصیت‌پردازی او هم بهتر و باورپذیرتر خواهد شد.»

فرهنگ رده‌بندی سنی

ترابی در پاسخ به این پرسش که «برتا» برای چه رده سنی‌ای ساخته شده، گفت: «به اعتقاد خود، من این سریال همه رده‌های سنی را در بر می‌گیرد؛ اما به‌خاطر برخی صحنه‌هایی که در آن قتل وجود دارد، اگر اشتباه نکنم سائزده سن ۱۵ سال را برای آن تعریف کرده است. من کاملاً با این رده سنی موافقم.» او ادامه داد: «در همه جای دنیا چنین چیزی وجود دارد. فیلم با سریالی ساخته می‌شود که صحنه‌هایی دارد – چه جنسی و چه خشونت‌آمیز – که برای همه رده‌های سنی مناسب نیست و حتماً باید به پیونده هشدار داده شود. حتی در برخی آثار خارجی دیدم که ممکن است کل فیلم مناسب باشد، اما قبل از یک سکانس خاص، هشدار می‌دهند که دیدن این بخش برای قان‌ده سنی مناسب نیست.»

این کارگردان با انتقاد از جانبدان فرهنگ رده‌بندی سنی در ایران گفت: «متأسفانه فرهنگ رده سنی در جامعه ایرانی خیلی جابجافته، در سینمای خارج از کشور اگر فیلمی رده سنی داشته باشد، بلیت برای آن رده فروخته نمی‌شود، اما در ایران چنین چیزی وجود ندارد. بچه کوچکی می‌آید فیلم کمدی‌ای را می‌بیند که پر از شوخی‌های جنسی است و می‌خندد، بعد از مادرش می‌پرسد چرا آن شخصیت این کار را کرد و هیچ توضیحی نمی‌شود به او داد. در اینجا مقصر خانواده است که چنین فیلمی را برای دیدن همراه کودک انتخاب کرده است.»

نظارت داریم تا نظارت

کارگردان سریال «برتا»، در پاسخ به پرسشی درباره اصل نظارت بر تولیدات نمایشی، تأکید کرد که با نظارت به‌خودی‌خود مشکلی ندارد، اما مسئله اصلی را نبود شفافیت و برخورد سلیقه‌ای می‌داند و تأکید کرد: «من با نظارت درست مواقم، حتی در هالیوود و سینمای آمریکا هم نظارت و قانون وجود دارد؛ با این قوانین تبعیت می‌کنی و کارت را انجام می‌دهی، یا مخالفی و کار نمی‌کنی. اما مشکل در ایران این است که قوانین شفاف نیست و سلیقه‌ای برخورد می‌شود.» ترابی ادامه داد: «در اینجا قوانین مستند نیست و بیشتر بر اساس سلیقه رفتار می‌شود. یک مدیر می‌گوید این مدل فیلم و سریال نباید ساخته شود و مدیر بعدی کاملاً با آن موافق است. جالب اینجاست که الان در سائرا چه کسانی نشستند؟ همان مدیرانی که سال‌ها در تلویزیون مدیر بودند و حالا جزء مشاوران و مدیران سائرا هستند.»

او با اشاره به تفاوت میزان سخت‌گیری در تلویزیون و نمایش خانگی گفت: «فکر می‌کنم سخت‌گیری تلویزیون به‌خاطر تعداد مخاطبانشان است. مخاطب نمایش خانگی به‌مراتب

کمتر از مخاطب تلویزیون است. تلویزیون را طیف گسترده‌تری از مردم نگاه می‌کنند، بنابراین قوانین و ضوابطش هم سخت‌تر و سخت‌تر است.» ترابی در ادامه تأکید کرد: «این پراکندگی فکری و فرهنگی میان پلتفرم‌ها، تلویزیون و سینما باعث آسیب شده است. تناقض‌هایی که وجود دارد باید حل شود تا مردم تکلیفشان را بدانند. مشکل ما این است که تکلیفشان روشن نیست.»

این کارگردان با اشاره به تفاوت بستر تلویزیون و نمایش خانگی توضیح داد: «اگر قرار بود «برتا» در تلویزیون ساخته شود، مطمئناً نگاه دیگری در آن وجود داشت؛ حتماً پلیس باید به شکل دیگری رفتار می‌کرد. اما در نمایش خانگی مدت فیلمساز بازنر است. در نهایت، پلیس هم آدمی است که ممکن است اشتباه کند، ممکن است در زندگی‌اش خطا یا رفتاری داشته باشد و این نگاه انسانی به او،رپذیری اثر کم می‌کند.»

نقش نیروی انتظامی در «برتا»

این کارگردان در پاسخ به شایعه‌هایی درباره حمایت نیروی انتظامی از سریال «برتا» گفت: «چنین حمایتی وجود نداشته است. نیروی انتظامی هیچ نقشی در حمایت نداشت. به‌هرحال وقتی سریال پلیسی می‌سازی، برای اخذ مجوزها مجبور هستی به پلیس مراجعه کنی. فیلمنامه را می‌خوانند و اصلاحاتی ارائه می‌دهند. سر صحنه هم ناظر دارند و کارشناس ناچا همیشه حضور دارد؛ به‌خصوص در صحنه‌هایی که قرار است اتفاقات نظامی و انتظامی شکل بگیرد نظر ایشان را اعلام می‌کنند.» ترابی افزود: «این‌طور نیست که حمایتی شده باشد. مثلاً ناای هنر اگر اسلحه‌ای در اختیار شما می‌گذارد، پولش را می‌گیرد. یا اگر ماشین پلیس لازم داریم، بابتش هزینه پرداخت می‌کنیم. حمایت خاصی در کار نریده؛ هر چیزی بوده هزینه‌اش را گرفته‌اند.»

جای تماشاگرواقعی خالی است

او در پاسخ به این پرسش که اگر ساخت فیلم با سریالی به سفارش یک نهاد یا سازمان، از جمله نیروی انتظامی، به او پیشنهاد شود، آیا آن را می‌پذیرد یا نه گفت: «برای من قصه مهم است.» هر جا که بتوانم قصه را درست روایت کنم، فرقی نمی‌کند سفارش از کجا باشد.» قصه باید قصه درستی باشد. اما جایی که قرار باشد شعار بدهم، هرگز این کار را نمی‌کنم. اگر قرار باشد حرفی بزنم که مردم باورش نکنند، یا ایدئولوژی من سازگار نباشد و حالت شعاری داشته باشد، هیچ‌وقت آن را انجام نخواهم داد.»

این کارگردان همچنین درباره احتمال ساخت سریالی با موضوع نفوذ یا جاسوسی، به‌ویژه پس از وقایع اخیر، گفت: «در صورت فراهم بودن شرایط، از چنین پیشنهادی استقبال می‌کنم. اگر قصه‌اش را خودم بنویسم و از زاویه دید خودم روایت شود، حتماً این کار را می‌کنم. چون برای من چیزی فراتر و وسیع‌تر از نگاه شخصی‌ام اهمیت دارد؛ برای من این حاکم مهم است و وطن برایم اهمیت ویژه‌ای دارد.»
ترابی، در توضیح مفهوم «سریال‌سازی استاندارد» و جایگاه تماشاگر در این فرایند، گفت: «مهم‌ترین عنصر در تولیدیک اثر نمایشی، مخاطب است. اصلاً اهمیتش فقط تماشاگر است. چه‌بسا سریالی ساخته شود که از نگاه منتقدان یا اهالی سینما و سریال، اثر خوبی نباشد، اما بیننده آن را دوست داشته باشد، پذیرد و با لذت تماشا کند.» ترابی ادامه داد: «تو باید این دورا هم‌زمان رعایت کنی؛ یعنی همان‌طور که به سلیقه بیننده احترام می‌گذاری، باید فیلم با سریالی سازی که از نظر فنی هم شرایطی داشته باشد تا طیف خاص‌تری از مخاطبان را در بر بگیرد.»

او با انتقاد از بی‌توجهی به سلیقه واقعی تماشاگر گفت: «ما به سلیقه تماشاگر اهمیت ندادیم. نظام سینماداری ما ذائقه مردم را به سمتی برده که فقط یک نوع فیلم در سینما اکران شود. سید متوخی وجود ندارد. وقتی فقط یک جنس در ویرینر باشد، فروش آن لزوماً به معنای پذیرش واقعی تماشاگر نیست، چون انتخاب دیگری وجود ندارد.» ترابی برای توضیح این وضعیت مثالی زد و گفت: «شما وارد یک سوپرمارکت می‌شوید؛ اگر اجناس متنوع باشد، می‌مانید و انتخاب می‌کنید. اما وقتی فقط یک کالا وجود دارد و در یک شهر هم فقط همان سوپرمارکت هست، طبیعی است که همان را بخرید.»

این کارگردان با اشاره به ترکیب آثار اکران‌شده در سینما افزود: «الان عمده فیلم‌هایی که روی سدرر سینماها می‌بینید، کمدی است. فیلم جدی خیلی کم دیده می‌شود و تولید انبوه ندارد. اگر بخوایم واقع‌بینانه نگاه کنیم، نسبت فیلم‌های کمدی به فیلم‌های جدی کاملاً نابرابر است.» ترابی با یادآوری وضعیت سینمای ایران در سال‌های گذشته گفت: «ده، پانزده ساله است پیش که جشنواره فجر می‌رفتم، حدود هشتاد درصد سید فرهنگی سینمای ما فیلم‌های هنری، اجتماعی و جدی بود.» او در ادامه تأکید کرد: «به نظر من این ذائقه‌ای که امروز به نام تماشاگر معرفی می‌شود،

ذائقه واقعی تماشاگر نیست. تماشاگر به نام تماشاگر است، اما به کام افراد دیگری تمام می‌شود. خواسته‌اند ذائقه را به سمتی ببرند که نگاه ذهنی و فکری مردم در همین سطح باقی بماند.» ترابی اضافه کرد: «اگر مدیریت چنین نگاهی نداشت، اجازه نمی‌داد بعضی فیلم‌ها ساخته شوند. من واقعاً بعضی فیلم‌ها را که در سینما می‌بینم، از این حجم از شوخی‌های سسختیف و رفتارهای جنسی جنجالت می‌کنم و این سوال پیش می‌آید که چطور اجازه ساخت چنین آثاری داده شده است.»

ترابی یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌های سینمای جدی را سینمای ارگانی دانست و گفت: «در شرایط اقتصادی فعلی، ساخت فیلم جدی دخل و خرجش با هم نمی‌خواند. به نظر من این نهادها و ارگان‌ها هستند که باید به فیلمساز بگویند یا باید فیلم و اجتماعی بساز با هزینه ما، چون اگر بازگشت مالی هم نداشت، پرایشان مشکلی ایجاد نمی‌شود. الان تمرکز اغلب نهادها روی موضوعات محدود و تکراری است. مثلاً سال گذشته در جشنواره، دو فیلم هم‌زمان درباره یک شهید ساخته شد؛ درحالی‌که سینمای جدی و اجتماعی به حمایت گسترده‌تری نیاز دارد.»

ترابی درآینده

این کارگردان در پاسخ به این پرسش که آیا در آینده قصد ساخت فیلمی جدی را دارد یا نه گفت: «حتماً. سؤال آینده یک فیلم بسیار جدی خواهم ساخت. فیلمنامه‌اش آماده است و در حال گفت‌وگو برای جذب سرمایه‌گذار هستم.»
ترابی همچنین با اشاره به تجربه ساخت فیلم در حوزه کودکونوجوان و دریافت جایزه در این حوزه، تأکید کرد که این ژانر را کنار نگذاشته است و گفت: «کودکونوجوان را فراموش نکرده‌ام و دلشگوش هستم. مسیر فیلمسازی مثل یک رودخانه است؛ توری موج سوار می‌شوی و با آن حرکت می‌کنی. من معتقدم فیلمساز و در طول عمر فیلمسازی‌ام باید همه‌جا سرک بکشم؛ فیلمی بسازم که خودم از آن لذت ببرم. خودم شگنم و با آن حال کنم. دوست دارم بچهام وقتی در مدرسه درباره فیلم پدرش حرف می‌زند، با افتخار بگوید که بابای من این فیلم را ساخته است.»

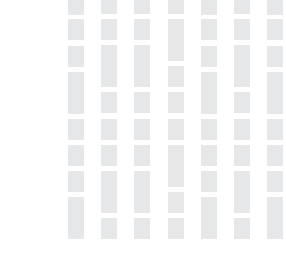
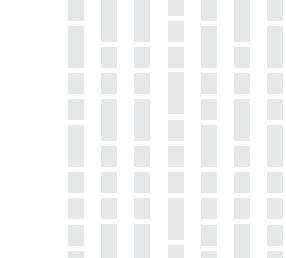
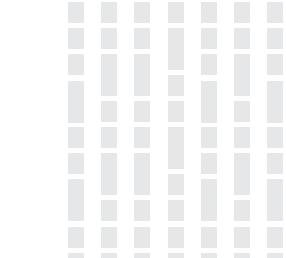
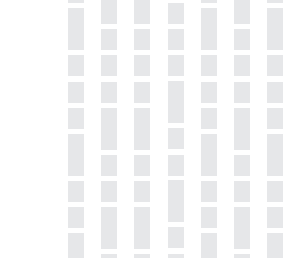
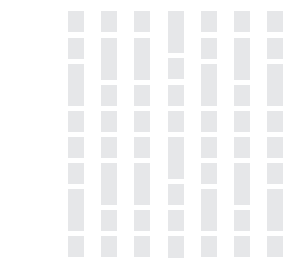


صراط (البیور لاشه)

«صراط» ساخته «البیور لاشه» نماینده اسپانیا در اسکار ۲۰۲۶ است. فیلم داستان پدر و پسری است که در جست‌وجوی دختر و خواهر گمشده‌شان از صحرای مراکش می‌شوند. شکل روایت رفته‌رفته منتها از حالت‌طولی خودجدا می‌شود، بلکه یافتن دختر به امری الهی‌سویه‌بدل می‌گردد. فیلم‌شایعته به‌داستان‌های مشابه و تکراری سینمایی ژانر، خاصه آثار هالیوودی ندارددر غالب آثار مدرنیستی سینمای اروپا سبته‌بندی می‌شود. در واقع «صراط» اثری نیست که مخاطب عادی سینما بتواند با آن مواجهه محافظه‌کارانه و معمولی داشته باشد، بلکه او را در هنگام تماشای اثر، به‌یاد «ماجر» ساخته «میکال آنجلو آنتونیونی» می‌اندازد.باری، فیلم‌ته‌ته‌ها در بخش بین‌المللی اسکار یکی از شانس‌های به دست آوردن مجسمه طلایی است، بلکه می‌تواند بر اساس انتشار لیست نامزدهای اولیه در بخش‌های مختلف این مراسم به‌یکی از فیلم‌های به‌یادماندنی بدل‌شود و همچون «الگل» اثر «یونگ جون هو» که هم اسکار بخش خارجی‌زبان نصیبش شد.هو مجازیه بهترین فیلم را گرفت، تاریخ‌سازی کند.رقبای اصلی فیلم «صراط» در این مسیر «ارزش عاطفی» به‌کارگردانی «یواخیم تریه» و «یک‌نصف‌سده» ساخته «جفری پانچ» (نماینده سینمای فرانسه) است که با توجه به انتخاب‌های سیاسی اعضای آکادمی در این شاخه کار راحتی در پیش ندارد و ممکن است قافیه را به فیلم ایدئولوژیک و شعارزده‌نامهی بیباز.

«لینکلیتر» و «جارموش» را از یاد نبریم

سسال‌ها بعد وقتی به تولیدات سینمایی در سال ۲۰۲۵ نگاه می‌انازیم برایمان به‌روشنی مشخص می‌شود که این ۱۲ ماه، از چند نظر استثنایی و متمایز از گذشته – لااقل از ابتدای پاندمی کرونا تا پایان ۲۰۲۴ – است. اسمال، سوای مواردی که پیش‌تر عنوان شد، مملو از نام‌های شناخته‌شده سینمایی نظیر «لینکلیتر»، «لوک بسون»، «ویچارد لینکلیتر»، «جیم جارموش»، «پروگوس لائیتیموس»، «دوید کراتنبرگ»، «آلبرت سرا»، «کلیر مندوسا فیلیو»، «کلی رایکارده»، «لین رمزی» و... است. در این میان «لینکلیتر» با دو فیلم «ماه‌آبی» و «موج نو» یکی از نام‌های شش‌اخص در فصل جوایز سینمایی به شمار می‌آید و نمی‌توان از کنارش به‌سادگی عبور کرد؛ حتی اگر اثری از وی در فهرست اولیه نامزدهای اسکار به چشم نیاید. این سیاهه البته بخش‌های اصلی نظیر بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، بهترین فیلمنامه اورجینال، بهترین فیلمنامه اقتباسی و... را در بر گرفته و می‌توان به حضور قدرتمند «لینکلیتر» سرشناس در آن‌ها امیدوار بود؛ اما در میان گمانه‌زنی‌های موجود، چندان ردی بر حضور «جیم جارموش» و فیلیش «پدر، مادر، خواهر، برادر» – که در جشنواره‌نیز اسمال موفق به دریافت جایزه‌عشیر طلایی و نیز شد – بافت نمی‌شود. «جارموش» یکی از منتقدان جدی صنعت سینمای آمریکاست و سرسازگاری با کمپانی‌های بزرگ دارد و به همین دلیل است که بیش از موطن خود، در اروپا پیروان بیشتری دارد. «پل توماس اندرسون»، «جیم جارموش» و... چه بکنند و «جارموش» را مانند گذشته نادیده بگیرند.



ترکیب فیلم‌های منتخب اُسکار ۲۰۲۶ به چه شکل است؟

دوراهی سیاست و زیبایی‌شناسی



ایمان عظیمی
خبرنگار گروه فرهنگ

آخرین روزهای سال ۲۰۲۵ میلادی است و کم‌کم باید منتظر از راه رسیدن جوایز سینمایی نظیر «پفتا»، «سزار»، «گلدن گلوب» و «اسکار» باشیم. نودوهمشتمین مراسم اسکار برخلاف سال‌های قبل، مملو از اسامی و استایل‌های معتبر در حوزه فیلمسازی جهانی، به‌الخاص هالیوود و جریان اصلی تولیدات آمریکایی است. به‌تازگی و طبق یک رسم جاافتاده، فهرست اولیه‌ای از نامزدهای اسکار ۲۰۲۶ توسط آکادمی علوم و هنرهای سینمایی منتشر شده که تا حدودی تکلیف ۱۲ شاخه از این مراسم را روشن می‌کند. بر این اساس آثاری مانند «فرانکشتاین»، «شروره برای همیشه»، «نبرد پشت تیره»، «گناهکاران» و «سیرات» را می‌توان در میان فیلم‌های خوش‌شانس اسکار دروز و پانزدهم مارس ۲۰۲۶ در «دالی تیتر» شهر «لس‌آنجلس» در نظر گرفت. در گزارش پیش رو به‌بحث‌های اصلی جایزه اسکار در رشته‌های متعدد آن خواهیم پرداخت؛ اما اجازه دهید تا کمی عبارت «خوش‌شانس» را باز کنیم و منظور خود را به‌روشنی انتقال دهیم.
بسیاری از آثار مهم تاریخ سینما از آغاز شکل‌گیری و رونق یافتن جایزه‌های

